



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

عنوان:

نقد و بررسی آرای تفسیری زمخشری از منظر علامه طباطبایی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدتقی دیاری بیدگلی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاظم رحمان ستایش

نگارنده:

مرتضی حیدری

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشکش بہ:

ساحت مقدّس قطب عالم امکان، امام عصر (عج)

سپاس و امتنان از

خداوند متعال که نعمت اندیشه و قلم را به انسان ارزانی داشت؛

و سپاس از جناب **حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد تقی دیاری**
بیدگلی که راهنمایی‌شان از ابتدا تا انتهای این اثر ناچیز، چراغی فروزان برای جهل
این کمترین بنده خدا بود و همچنین سپاس از جناب **حجت الاسلام و المسلمین**
دکتر محمد کاظم رحمان‌ستایش، مشاور این اثر ناچیز.

و سپاس از خانواده عزیزم که مرا در تدوین این اثر راهنمایی و همیاری کردند.

چکیده

تحقیق پیش‌رو، کوششی در راستای بررسی دیدگاه‌های تفسیری زمخشری در کتاب تفسیرشان، الکشاف، از دیدگاه علامه طباطبایی و شیوه و سبک علامه طباطبایی در نقل از تفسیر کشاف می‌باشد. نگارنده سعی و تلاش خود را بر این قرار داده تا مواردی را که علامه طباطبایی در تفسیر گران‌سنگشان - المیزان - از زمخشری نقل کرده‌اند، یافته و با تتبع دقیق و موشکافانه، دیدگاه علامه طباطبایی راجع به نظرات تفسیری زمخشری را بررسی نماید.

در بررسی یک کتاب تفسیر، علاوه بر دقت در روش‌ها و گرایش‌های مفسر آن کتاب و چگونگی استدلال و شیوایی بیان و سلیس بودن کلمات و مستند بودن مطالب، کیفیت بهره‌گیری از منابع و مآخذ، مسأله‌ای مهم است. تفسیر کشاف زمخشری یکی از منابع کیفی و کمی مهم مرحوم علامه طباطبایی است. ایشان در تفسیر المیزان که بدون اغراق مهم‌ترین و بهترین تفسیر دوره معاصر و از جمله کامل‌ترین تفاسیر شیعه است، مطالب فراوانی در زمینه‌های تفسیری، علوم قرآنی، ادبی، فقهی و کلامی از کشاف نقل کرده‌اند. ایشان در بحث علوم قرآنی، به ذکر آرای زمخشری در زمینه قرائت و شأن نزول، در بحث علوم ادبی به علوم از جمله لغت، صرف، نحو و بلاغت و در بحث کلامی هم به موضوعاتی از جمله توحید، عصمت پیامبران و معاد و جز آن پرداخته‌اند. در زمینه فقهی، تنها یک مورد یافت شد که چون در یک عنوان و فصل نمی‌گنجد آن را مطرح نکردیم. این موضوع هم به روش دو مفسر که تمایلی به بحث در جنبه فقهی قرآن نداشته‌اند برمی‌گردد. در اکثر قریب به اتفاق موضوعات ذکر شده، از یک‌سو به تأیید نظرات زمخشری و از سوی دیگر به نقد آنها پرداخته است. در این نوشتار، با تطبیق و مقایسه دو تفسیر، به چگونگی نقل المیزان از کشاف و بررسی آرای زمخشری از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، محمود زمخشری،

الکشاف؛

فهرست مطالب

مقدمه	۱
طرح تحقیق	۱
۱. تعریف موضوع	۱
۲. اهمیت و ضرورت پژوهش	۲
۳. اهداف پژوهش	۲
۴. پرسش‌های اصلی و فرعی	۲
۵. فرضیه‌ها	۲
۶. پیشینه	۳
۷. روش تحقیق	۳
۸. سازماندهی پژوهش	۳
فصل اول: حیات علمی علامه طباطبایی و جاراالله زمخشری و روش تفسیری آنان	۵
۱. زندگینامه و حیات علمی علامه طباطبایی	۶
۱-۱. تولد و نسب	۶
۲-۱. حیات علمی و تحصیلی علامه طباطبایی	۶
۳-۱. هجرت علمی علامه به قم	۸
۴-۱. اساتید	۹
۵-۱. تألیفات	۹
۶-۱. و سرانجام	۱۰
۲. میزان فی تفسیر القرآن	۱۰
۱-۲. روش تفسیری علامه طباطبایی در میزان	۱۱
۱-۲-۱. روش تفسیر قرآن به قرآن	۱۱
۱-۲-۲. روش تفسیر روایی	۱۳
۲-۲. ویژگی‌های تفسیر میزان	۱۴
۳-۲. منابع میزان	۱۹
۳. زندگینامه و حیات علمی زمخشری	۲۰
۱-۳. تولد و محیط زندگی	۲۰
۲-۳. اساتید زمخشری	۲۱

- ۳-۳. زمخشری از دیدگاه عالمان ۲۱
- ۴-۳. عصر زمخشری ۲۲
- ۳-۵. تألیفات زمخشری ۲۳
۴. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل ۲۴
- ۴-۱. انگیزه نگارش ۲۵
- ۴-۲. شیوه تنظیم ۲۶
- ۴-۳. مصادر و منابع کشف ۲۶
- ۴-۴. تأثیر «کشف» بر تفاسیر دیگر ۲۷
- ۴-۵. ویژگی‌های تفسیر کشف ۲۸
- ۴-۵-۱. جایگاه عقل در کشف ۲۸
- ۴-۵-۲. رویکرد و گرایش کلامی زمخشری در تفسیر ۲۹
- ۴-۵-۳. استفاده از علم لغت در تفسیر ۳۱
- ۴-۵-۴. استفاده از مباحث نحوی ۳۱
- ۴-۵-۵. استفاده از علم قرائت در تفسیر ۳۲
- ۴-۵-۶. بلاغت و فصاحت ۳۲
- ۴-۵-۷. مسائل فقهی در تفسیر کشف ۳۳
- ۴-۵-۸. استفاده از روایات در کشف ۳۴
- ۴-۵-۹. مخالفت زمخشری با اسرائیلیات ۳۴
- ۴-۵-۱۰. اسباب نزول در کشف ۳۵
- ۴-۵-۱۱. استفاده زمخشری از روایات اهل البیت (ع) ۳۶
- ۴-۵-۱۲. فضایل اهل البیت علیهم السلام در کشف ۳۷
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۳۷
- فصل دوم: آرای تفسیری و علوم قرآنی زمخشری و دیدگاه علامه طباطبایی ۳۹
۱. آرای تفسیری ۴۰
- ۱-۱. نکات تفسیری ۴۰
- ۱-۱-۱. تقاضای مشرکان از پیامبر برای تغییر قرآن ۴۰
- ۱-۱-۲. دلایل محکم بر حقانیت پیامبر اسلام ۴۱
- ۱-۱-۳. آیا انبیاء قبل از نبوتشان کافر بوده‌اند؟ ۴۲
- ۱-۱-۴. مقصود از «کَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ»، «شَجَرَةٌ طَيِّبَةٌ» و «كَلِمَةٌ خَبِيثَةٌ» ۴۲

- ۱-۱-۵. تفسیر آیه: «جَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ...» ۴۳
- ۱-۱-۶. مقصود از «هنالك» و ثواب و عقاب ۴۴
- ۱-۱-۷. فرق بین «مرضعه» و «مرضع» ۴۵
- ۱-۱-۸. اولی بودن پیامبر نسبت به مؤمنین ۴۶
- ۱-۱-۹. اسوه بودن پیامبر ۴۷
- ۱-۱-۱۰. «أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ» بودن پیامبر ۴۸
- ۲-۱-۲. دیدگاه زمخشری راجع به روایات تفسیری ۴۹
- ۲-۱-۱. اثر نیک و بد اعمال ۴۹
- ۲-۲-۱. ارتباط آیات ۱۳-۱۴ سوره واقعه با آیات ۳۹-۴۰ همین سوره ۴۹
- ۳-۲-۱. روایات پیرامون «لَمْ أَخْنُءُ بِالْغَيْبِ» ۵۱
۲. آرای علوم قرآنی ۵۱
- ۱-۲-۱. شأن نزول سوره‌ها و آیات ۵۲
- ۱-۲-۱. شأن نزول آیه ولایت (مائده، ۵۵) ۵۲
- ۱-۲-۲. شأن نزول آیه ۳۳ سوره نجم ۵۳
- ۱-۲-۳. زمان نزول سوره مبارکه مدثر ۵۴
- ۱-۲-۴. شأن نزول سوره «هل اتی» ۵۴
- ۱-۲-۵. شأن نزول آیه ۲۹ و ۳۰ سوره مطففین ۵۵
- ۲-۲-۱. قرائات ۵۶
- ۲-۲-۱. قرائت «يَعْقُوبَ» در آیه ۷۱ سوره هود ۵۶
- ۲-۲-۲. قرائت «ابْنَهُ» در آیه ۴۲ سوره هود ۵۷
- ۲-۲-۳. قرائت «مَجْرَى» و «مُرْسَى» در آیه ۴۱ سوره هود ۵۷
- ۲-۲-۴. قرائت «سَامِرًا» در آیه ۶۷ سوره مومنون ۵۸
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۵۸
- فصل سوم: آرای ادبی زمخشری و دیدگاه علامه طباطبایی ۶۰
۱. آرای نحوی ۶۱
- ۱-۱. مرجع ضمیر «قومه» در آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ...» ۶۱
- ۲-۱. مرجع ضمیر «به» در آیه «وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ» ۶۲
- ۳-۱. اعراب استثنا در آیه «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» ۶۳
- ۴-۱. مرجع ضمیر «إِنَّهُ» در آیه «وَأِنَّهُ لَنَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ» ۶۳

- ۱- ۵. مرجع ضمیر «عَلَّمْنَا» و «أوتينا» در آیه ۱۶ سوره نمل ۶۴
- ۱- ۶. اعراب «يَعْلَمُونَ» در آیه «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» ۶۴
- ۱- ۷. وجه اعرابی «لَمَن» در آیه «وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَن أَذِنَ لَهُ» ۶۴
- ۱- ۸. نکته نحوی درباره «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» ۶۵
- ۱- ۹. اعراب آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» ۶۵
۲. آرای صرفی ۶۶
- ۲- ۱. نکته صرفی لغت «مثنای» ۶۶
- ۲- ۲. نکته صرفی لغت «امام» ۶۷
- ۲- ۳. وجه صرفی لغت «احصى» ۶۷
- ۲- ۴. نکته صرفی لغت «جنت» ۶۸
- ۲- ۵. اشتقاق لغت «صدیق» ۶۸
- ۲- ۶. وجه صرفی لغت «يَسْتَجِيبُ» ۶۸
- ۲- ۷. نکته صرفی لغت «شوری» ۶۹
- ۲- ۸. وجه صرفی لغت «مفتون» ۶۹
- ۲- ۹. نکته صرفی لغت «طاغیه» ۷۰
- ۲- ۱۰. وجه صرفی لغت «معاذیر» ۷۰
۳. آرای بلاغی ۷۰
- ۳- ۱. وجه بلاغی در آیه: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ...» ۷۱
- ۳- ۲. نکته بلاغی «وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ» ۷۲
- ۳- ۳. نکته بلاغی «حَرَمًا آمِنًا» ۷۲
- ۳- ۴. وجود لفّ و نشر در آیه ۲۳ سوره روم ۷۲
- ۳- ۵. وجه بلاغی لغت «نور» ۷۳
- ۳- ۶. نکته بلاغی در جمع آیه «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» با آیه «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» ۷۵
- ۳- ۷. صفات جزع و منع در انسان ۷۵
- ۳- ۸. نکته بلاغی «وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» ۷۷
۴. آرای لغوی ۷۷
- ۴- ۱. معناشناسی لغت «رهط» ۷۷

۷۸.....	۲-۴. معنانشناسی لغات «زفیر» و «شهیق»
۷۸.....	۳-۴. معنانشناسی لغت «طائر»
۷۹.....	۴-۴. معنای لغت «فتنه»
۷۹.....	۵-۴. معنای لغت «منی»
۸۰.....	۶-۴. معنانشناسی لغات «مصانع» و «کسف»
۸۰.....	۷-۴. معنای لغت «تعالین»
۸۰.....	۸-۴. معنای شناسی لغت «ازواج»
۸۱.....	۹-۴. معنانشناسی لغات «سموم»، «حمیم»، «یحوموم»، «ظلّ» و «عشار»
۸۱.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۸۳.....	فصل چهارم: آرای کلامی زمخشری و دیدگاه علامه طباطبایی
۸۴.....	۱. آرای کلامی
۸۵.....	۱-۱. مدلول آیه مباهله و روایات
۸۵.....	۲-۱. حکمت خطاب عتاب‌آمیز آیه به پیامبر(ص)
۸۶.....	۳-۱. آیا انتساب خیر و شر به خدا صحیح است؟
۸۷.....	۴-۱. اختیار انسان و هدایت الهی
۸۸.....	۵-۱. اعاده خلق و خلقت ابتدایی
۸۹.....	۶-۱. حکمت ازدواج پیامبر(ص) با همسر فرزند خوانده‌اش
۹۱.....	۷-۱. امکان مداخله شیطان در ابدان و اموال پیامبران
۹۲.....	۸-۱. احتجاج بر نفی فرزند گرفتن خدا برای خود
۹۳.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۹۴.....	فهرست منابع و مآخذ
۹۸.....	پیوست

مقدمه

نزول قرآن کریم بسان نزول آب حیات در میان جهل عرب حجاز بود و در جهانی تاریک و آکنده از جهل و بی‌خردی و ناپاکی، دریچه‌ای از معرفت، معنویت و زندگی جاوید را بر آنان می‌گشود.

حقایق خالص در قرآن کریم، بر وجود انسان حقیقت جو چنان کارگر افتاد که او را در توجه جدی، تدبر عمیق و اندیشیدن همه جانبه در مضامین انسان‌ساز آن غوطه ور می‌ساخت. ترغیب‌های مستمر قرآن به تدبر و تفکر در مضامین ژرف آن به رشد و بالندگی اندیشه و حوزه‌های آن کمک شایانی نمود و در پرتو تلاش‌ها و سخت‌کوشی‌های دانش-آموختگان مکتب پر برکت اهل بیت(ع) گنجینه‌های عظیمی از کتاب‌های تفسیر قرآن پدید آیند.

بی‌شک، تفسیر المیزان سید محمدحسین طباطبایی یکی از تفاسیر ارزشمند شیعه از صدر اسلام تاکنون است. این تفسیر حاوی مزایای فراوانی است که از همه مهم‌تر بهره‌جویی در فهم قرآن از خود قرآن است. علامه طباطبائی در حالی که دیدگاه‌هایی بدیع ارائه می‌دهد، از منابع دیگر بویژه دیدگاه‌های مفسران گذشته استفاده می‌کند. ایشان از تعداد زیادی منابع تفسیری، حدیثی، تاریخ و سیره، لغت و کتب دیگر نقل کرده‌اند.

نوشتار حاضر، تحقیقی است مختصر، در بررسی رویکرد علامه طباطبایی به آرای تفسیری جارالله زمخشری و شیوه ایشان در مواجهه با آرای تفسیری وی.

طرح تحقیق

۱. تعریف موضوع

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان آراء بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت را ذکر کرده و در موارد بسیاری آن‌ها را نقد کرده و البته بعضی نظرات را هم پذیرفته‌اند. از جمله تفاسیری که ایشان استفاده فراوانی از آن کرده‌اند، تفسیر الکشاف زمخشری است که مطالب فراوانی از این تفسیر نقل کرده و در موارد گوناگونی برای تحکیم استدلال‌های لغوی، بلاغی و ... از آن بهره برده است؛ اما در مواردی هم نظرات زمخشری را نقد کرده‌اند. در این پژوهش با استعانت از خداوند متعال سعی می‌کنیم به بررسی و نقد آرای زمخشری از دیدگاه علامه طباطبایی پردازیم.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

می‌توان گفت تفسیر المیزان مهم‌ترین و بهترین تفسیر معاصر شیعه است؛ در مقابل، تفسیر کشاف هم از مهم‌ترین تفاسیر ادبی و همچنین از مهم‌ترین تفاسیر اهل سنت می‌باشد. به همین منظور برای درک و فهم بیشتر تفسیر المیزان ضرورت ایجاد می‌کند که دیدگاه‌های تفسیری را که المیزان از آن‌ها استفاده کرده است، مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. این ضرورت وقتی اهمیت بیش‌تری می‌یابد که می‌بینیم علامه طباطبایی، شیعه امامی و زمخشری معتزلی است که این مهم در تفاسیرشان نمود دارد.

۳. اهداف پژوهش

با توجه به آنچه ذکر شد، نگارنده به دنبال اهداف ذیل است:
- درک و فهم بیش‌تر آرای تفسیری علامه طباطبایی و برجسته ساختن دیدگاه‌های متمایز او؛
- نمود پیدا کردن نقاط ضعف دیدگاه‌های تفسیری زمخشری و هم مسلکان او؛

۴. پرسش‌های اصلی و فرعی

وجهه‌همت این پژوهش، پاسخ‌گویی به این دو سؤال اصلی است که:
۱- رویکرد علامه طباطبایی به تفسیر کشاف چگونه است؟
۲- آیا علامه طباطبایی به آرای تفسیری زمخشری اهمیت داده است؟
این سؤالات را می‌توان با سؤالاتی جزئی‌تر بررسی کرد؛ از جمله:
۱- سید محمدحسین طباطبایی تا چه میزان از تفسیر جارالله زمخشری بهره برده است؟
۲- آیا مؤلف المیزان همه مطالب تفسیری و عقاید مؤلف کشاف را پذیرفته است؟ و یا در مواردی آن را نقد کرده است؟
۳- شیوه‌های نقل و نقد علامه طباطبایی، نسبت به آرای زمخشری چگونه و با چه کیفیتی می‌باشد؟
امید است که در این پژوهش به این سؤالات پاسخ داده شود.

۵. فرضیه‌ها

در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، می‌توان فرضیه‌هایی را مطرح و حول آن پژوهش کرد؛ از جمله اینکه رویکرد علامه به تفسیر کشاف رویکردی تأییدی - انتقادی است.
و همچنین

۱- علامه طباطبایی موارد زیادی از نظرات تفسیری زمخشری در تفسیر کشاف را در تفسیرشان ذکر کرده‌اند.

۲- در میان این موارد هم مواردی است که علامه طباطبایی آنها را قبول کرده‌اند و هم مواردی است که آنها را نقد و رد کرده‌اند.

۳- علامه، دیدگاه‌های زمخشری را عمدتاً با ادله متقن از جمله خود قرآن و سیاق آیات رد کرده‌اند.

۶. پیشینه

با جستجویی که در اینترنت از جمله؛ سایت حوزه و سایت پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران و... انجام شد، پژوهشی در این زمینه به دست نیامد؛ اما یک پایان نامه با عنوان «بررسی و تحلیل دیدگاه‌های تفسیری آلوسی از منظر علامه طباطبایی» و همچنین پایان نامه ای با عنوان «بررسی آرای کلامی زمخشری در تفسیر کشاف» به دست آمد که کلیت این پایان‌نامه‌ها و موضوع مورد تحقیق ما شباهت زیادی با هم دارند. البته مقالاتی از جمله «جایگاه تفسیر کشاف در تفسیر المیزان»، «با زمخشری در کشاف»، «روش تفسیری کشاف»، «شیوه تفسیری معتزله» و جز اینها به دست آمده که با موضوع مورد تحقیق شباهت‌هایی دارد.

۷. روش تحقیق

این پژوهش به‌سان عموم پژوهش‌های دیگر علوم انسانی، با روش کتابخانه‌ای سامان یافته است. به این ترتیب که برای به دست آوردن مواردی که علامه از تفسیر کشاف در تفسیرشان نقل کرده‌اند، جستجو در نرم‌افزار جامع‌التفاسیر با چهار کلمه کشاف، الکشاف، الزمخشری و زمخشری انجام شد و با توجه به اینکه در موارد یافت شده، موارد تکراری نیز بود بعد از بررسی همه موارد، موارد اصلی به دست آمد. در مرحله بعد با مطالعه این موارد و نیز مجموعه‌ای از کتب و مقالات مرتبط با موضوع این نوشتار، نگارش تحقیق شروع و در نهایت تنظیم و تألیف گردید.

۸. سازماندهی پژوهش

تحقیق پیش رو شامل بخش‌هایی از جمله مقدمه، طرح تحقیق و نیز شامل فصول چهارگانه ای می باشد که بر اساس مطالعه و مجموعه مطالب و همچنین نموداری که تنظیم گردیده (نمودار ص ۹۸)، به‌دست آمده است. با توجه به اینکه علامه طباطبایی در موضوعات تفسیری و علوم قرآنی، علوم ادبی و مسائل فقهی و کلامی از نظرات زمخشری

در تفسیرشان نقل کرده‌اند؛ بر این اساس تحقیق حاضر در چهار فصل تدوین گردید. فصل اول را اختصاص دادیم به زندگینامه و حیات علمی علامه طباطبایی و زمخشری. سه فصل بعدی بر اساس موضوعاتی که ذکر شد، تدوین گردید.

فصل اول

حیات علمی علامه طباطبائی و جارالله زمخشری و روش تفسیری آنان

فصلی که پیش روست، کوششی پیرامون موضوعاتی از قبیل حیات علمی علامه طباطبایی و روش تفسیری ایشان در تفسیر المیزان و همچنین زندگینامه جار الله زمخشری و روش تفسیر او در تفسیر کشاف می باشد، که برای ورود به بحث اصلی تحقیق لازم به نظر می آید. می خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که چرا علامه طباطبایی در تفسیر گران سنگشان از تفسیر کشاف نقل کرده اند و چه خصوصیتی تفسیر کشاف دارد که علامه را به خود جلب کرده است.

۱. زندگی نامه و حیات علمی علامه طباطبایی

در این قسمت به مباحثی از جمله زندگینامه علامه طباطبایی اعم از تولد و حیات تحصیلی و تحقیقی و تدریسی ایشان، روش تفسیر علامه، برخی از ویژگی های المیزان و در نهایت بحث اصلی یعنی بررسی منابع تفسیر المیزان به خصوص تفسیر کشاف زمخشری می پردازیم. و به این نتیجه می رسیم که علامه از منابع زیادی در نگارش تفسیرشان استفاده کرده و مطمح نظر ایشان بوده و نگرش ایشان به این منابع نگرش تاییدی - انتقادی است؛ به این معنا که ایشان هم، از این منابع استفاده کرده اند و هم آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده اند.

۱-۱. تولد و نسب

علامه طباطبائی در ۲۹ ذی حجه سال ۱۳۲۱ ه. ق مطابق با سال ۱۲۸۱ ه. ش در شهر تبریز متولد شدند. نسبت علامه طباطبائی از طرف پدر به حضرت امام حسن مجتبی (ع) و از طرف مادر به حضرت امام حسین (ع) می رسد. پدر او سید محمد قاضی طباطبائی از خاندانی است که در شهر تبریز، بلکه در جهان تشیع به علم و دانش معروف بوده و دارای علماء و دانشوران مشهوری بوده است.

هنوز پنج بهار از عمر علامه طباطبائی نگذشته بود که با مرگ مادر، آسمان زندگی او تیره و تار گشت و با فوت پدرش در نه سالگی، تندبادهای حوادث زندگی، ریشه های وجود او را هدف قرار داد و غم و اندوه فقدان پدر و مادر را برایش نمودار ساخت.

۲-۱. حیات علمی و تحصیلی علامه طباطبایی

ایشان از سال ۱۲۹۰ ه.ش تا سال ۱۲۹۶ ه.ش به مدت شش سال به همراه برادرش پس از آموختن قرآن، کتابهایی چون گلستان، بوستان، نصاب الصبیان، اخلاق ناصری، انوار سهیلی، تاریخ عجم، منشآت امیر نظام و ارشاد الحساب را در نزد شیخ محمد علی سرائی فرا گرفت.

تحصیلات تا این پایه روح علم جوئی او را قانع نساخت، از این رو در سال ۱۲۹۷ ه.ش وارد مدرسه طالبیه تبریز شد و تا سال ۱۳۰۴ ه.ش به فراگیری ادبیات عرب و علوم عقلی و نقلی و فقه و اصول پرداخت و در ظرف این هشت سال کتابهای امثله، صرف میر و تصریف در علم صرف و کتابهای عوامل، نمودج، صمدیه، شرح سیوطی، جامی و مغنی در علم نحو و کتاب مطول در علم معانی و بیان و کتابهای شرح لمعه و مکاسب در فقه و کتابهای معالم، قوانین، رسائل و کفایه در علم اصول فقه و رساله کبری، حاشیه ملا عبد الله و شرح شمسیه در علم منطق و شرح اشارات در فلسفه و کشف المراد در علم کلام را خواند.

در ابتدای این دوران - بر طبق گفته خود علامه - ایشان علاقه زیادی به تحصیل نداشته است. این مدت که چهار سال طول کشیده، زمانی است که ایشان از تحصیل بهره‌ای نگرفته و روزی که از عهده امتحان سیوطی بر نمی‌آید با عتاب استاد روبرو می‌گردد و با ناراحتی از شهر تبریز خارج می‌شود و لطف خداوند شامل حالش می‌شود و شوق وافر به علم و تحصیل در خود احساس می‌کند و از آن زمان تا پایان تحصیل هرگز نسبت به تعلیم و تفکر احساس خستگی نمی‌کند.^۱

در سال ۱۳۰۴ ه.ش اشتیاق به تکمیل تحصیلات، علامه طباطبائی را رهسپار نجف اشرف کرد. در همین ایام یکی از عرفای نامدار او را به تهذیب نفس و تکمیل مکارم و عدم غفلت از نفس اماره توصیه و منزل را ترک می‌کند. این عارف نامدار یعنی آیت الله حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبائی با برخوردهای خود آنچنان علامه را شیفته خویش می‌کند که تا هنگام حضور در نجف اشرف هیچگاه محضر ایشان را ترک نمی‌کند.^۲

مصاحبت با این عارف و انسان کامل، علامه را وارد مرحله جدیدی از زندگی و تحصیل کرد. با حضور در محضر آیت الله قاضی طباطبائی یک‌باره احساس می‌کند از فلسفه و حکمت چیزی عایدش نشده است. بدین ترتیب او باز هم به تحصیل فلسفه می‌پردازد و هر چند مشخص نشده که کتاب خاصی را نزد آیت الله قاضی طباطبائی در این زمینه خوانده باشد ولی خود او ایشان را به یکی از اساتید علوم عقلی خویش معرفی می‌کند.

۱. رک: بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، چاپ دوم، (تهران: دوستان و ناهید، ۱۳۸۱ش) ج ۲، ص ۱۴۰۱.

۲. همان.

استاد دیگر ایشان در این زمینه، حکیم سید حسین بادکوبه‌ای است و علامه در مدت شش سال در نجف اشرف منظومه سبزواری، اسفار، مشاعر و دوره شفای بوعلی و کتاب اثولوجیا را نزد او فرا گرفته است.

اما تحصیل فلسفه علامه طباطبائی در این زمان تحت تأثیر عرفان و معارف اسلامی قرآن کریم قرار داشت. ایشان قسمت عمده عرفان عملی و نظری و همچنین مکتب تفسیری خویش را از استاد آیت الله قاضی طباطبائی فرا گرفت.^۱

علامه نزد آیات عظام شیخ محمد حسین اصفهانی و شیخ محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی دوره‌هایی از اصول و ابوابی از فقه را خواند تا به مقام اجتهاد نائل گردید و از آیت الله نائینی اجازه روایت و اجتهاد گرفت.^۲

یکی از مشکلات علامه طباطبائی در نجف اشرف - که همواره کم و بیش با آن دست به گریبان بودند - تأمین معاش روزمره بوده است. همین مسأله عاقبت در سال ۱۳۱۴ ه.ش ایشان و برادرشان را مجبور نمود از نجف به زادگاه خویش بازگردند. بیشتر اوقات دوره زندگی دوباره در تبریز که مثل زندگی در نجف اشرف ده سال طول کشید، به امور زراعت و کشاورزی گذشت.^۳

۱-۳. هجرت علمی علامه به قم

علامه طباطبائی در اول سال ۱۳۲۵ ه.ش پس از ساماندهی نسبی امور معاش خویش از ادامه سکونت در تبریز منصرف شده به سوی قم حرکت می‌کند.

زمانی که علامه «ره» به قم مشرف گردید تمام حوزه‌های علمیه و مخصوصاً حوزه علمیه قم در شرایط نامساعدی به سر می‌برد که ناشی از فشارهای حکومت استبداد و مشکلات درونی حوزه و هجوم روشنفکری بود. با حضور علامه «ره» در قم نشاط علمی بر حوزه سایه افکند و محوری بوجود آمد که این افراد را منسجم سازد و به نیروی عظیمی تبدیل نماید که از جهات مختلف علمی، سیاسی و... برای جامعه آثار گرانباری در پی داشت.

مرحوم علامه در ابتدای ورود به قم تدریس خارج فقه و اصول را شروع کرد ولی به زودی احساس وظیفه ایشان را به مسیر دیگری کشاند. بدین ترتیب ایشان ابتدا در منزل و سپس در مسجد سلماسی به تدریس اسفار اشتغال ورزید. این موضوع که نشاط علمی طلاب را در این زمینه در پی داشت واکنش مخالفان فلسفه را برانگیخت و توطئه برای

۱. همان.

۲. همان؛ علی الاوسی، **روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان**، ترجمه سید حسین میر جلیلی، چاپ اول، (تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱ش)، ص ۶۶-۶۸.

۳. ر.ک: همو، ج ۲، ص ۱۴۰۱؛ بهاء الدین خرمشاهی و کامران فانی، **دائرة المعارف تشیع**، بی جا، (تهران: بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۷۳ش)، ج ۱۰، ص ۴۶۲-۳.

تعطیلی درس ایشان آغاز گشت ولی اخلاص و پشتکار علامه و شیوه‌های مطلوبی که از طرف آیت الله بروجردی و حضرت امام خمینی در این زمینه ارائه گردید از تعطیلی آن جلوگیری نمود و معاندان به مقصود خویش نرسیدند.^۱

۱-۴. اساتید

از اساتید علامه در زمان تحصیل در تبریز اطلاع چندانی در دست نیست. اما اساتید ایشان در نجف عبارتند از:

- ۱- آیت الله سید علی قاضی طباطبائی در زمینه عرفان عملی و عرفان نظری
- ۲- حکیم سید حسین بادکوبه‌ای در زمینه عرفان نظری و فلسفه
- ۳- سید ابوالقاسم خوانساری با موضوع ریاضیات و تحریر اقلیدس
- ۴- آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی با موضوع یک دوره اصول فقه و ابوابی از فقه
- ۵- آیت الله نائینی در زمینه فقه و اصول
- ۶- آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی با موضوع فقه
- ۷- آیت الله سید محمد حجت کوه‌کمری، که اصول کلی رجال را از ایشان فرا گرفته‌اند.^۲

۱-۵. تألیفات

به نظر می‌رسد علامه طباطبائی با هدف اینکه کتابی در موضوعی بنویسد قلم نمی‌زد بلکه در جریان تحقیق و تتبع نظریات خود را می‌نوشت و بعداً دوستان و شاگردان آنها را جمع‌آوری می‌کردند. این مطلب از یک سو اخلاص شدید علامه را نشان می‌دهد که از هر چیزی که موجب شهرت ایشان شود پرهیز داشت حتی از نوشتن کتاب و این مسأله در مورد آثار دیگر علامه نیز مشهور است زیرا با اینکه ایشان طراح و نقاش ماهری بودند از بجا گذاشتن آثاری که موجب شهرت ایشان شود اجتناب نمودند و غزلیاتی را که سروده بودند نیز آتش زدند و تنها چند غزلی که در دست دیگران بوده از ایشان باقی مانده است.

از سوی دیگر این مطلب حکایت دارد که اگر از علامه کتابهای بسیار در موضوعات مختلف بر جای نمانده است از این جهت بوده که ایشان نوشتن کتاب در آن موضوعات را وظیفه خود نمی‌دانسته است و گرنه همانطور که گفتیم او در زمینه فقه، اصول، ریاضیات و علوم دیگر کمتر از فلسفه و تفسیر تبحر نداشته است. با این حال از این حکیم و مفسر

۱. همو، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۱۰، ص ۴۶۲-۳.

۲. ر.ک: همو، *روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان*، ص ۵۸؛ همو، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، ج ۲، ص ۱۴۰۱؛ همو، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۱۰، ص ۴۶۲-۳.

بزرگ آثار گرانقدری باقی مانده است که تنها تفسیر المیزان دریائی عمیق است. از جمله کتب گرانقدر ایشان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

الف - تفسیر: المیزان فی تفسیر القرآن و تصحیح تفسیر القرآن و العقل.

ب - فلسفه: نهاییه الحکمه، بدایه الحکمه، اصول فلسفه و روش رئالیسم، حاشیه بر اسفار، رساله قوه و فعل، مقاله در حرکت جوهری، تاریخ حیات و روش فلسفی ملاصدرا، علی (ع) و فلسفه الهی.

ج - منطق: رساله‌ای در برهان، رساله‌ای در مغالطه، رساله‌ای در تحلیل، رساله‌ای در ترکیب، رساله‌ای در اعتباریات.

د - معارف اسلامی: قرآن در اسلام، رساله‌ای درباره حکومت اسلامی، شیعه در اسلام، شیعه رسالت تشیع در دنیای امروز، رساله الولایه، رساله التوحید، رساله الأسماء، رساله الأفعال، رساله الوسائط، مقاله فی التوحید، مقاله فی العلم، بحثی کوتاه درباره علم امام علیه السلام، کتاب بررسیهای اسلامی: مجموعه‌ای از مقالات و رسائل استاد با این عناوین می‌باشد:

درسهایی از قرآن، مباحث اجتماعی اسلامی، مقام و موقعیت زن در اسلام، نگاهی به تاریخ شیعه، ولایت و زعامت در اسلام، محمد (ص) و اسلام، درباره وحی، اعجاز و معجزه، چند بحث فلسفی، کتاب سنن النبی، حاشیه بر کفایه الاصول، رساله المحاکمات یا تذیلات، المحاکمات بین المکاتبات، الانسان قبل الدنيا، الانسان فی الدنيا، الانسان بعد الدنيا.^۱

۱-۶. و سرانجام

سرانجام پس از ۸۱ سال و ۱۸ روز بابرکت و زندگی پرتلاش، روح پاک و الهی آن حکیم عارف و مفسر وارسته در ۱۸ محرم ۱۴۰۲ قمری (۲۴ آبان ۱۳۶۰ش) در شهر قم به ابدیت پیوست و در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.^۲

۲. المیزان فی تفسیر القرآن

مجموع مجلدات تفسیر المیزان، ۸۰۴۱ صفحه است و تا کنون بارها به چاپ رسیده و به فارسی نیز ترجمه گردیده است. شروع این تفسیر، همراه بود با درس‌های علامه در حوزه‌ی عملیه‌ی قم که برای طلاب علوم دینی گفته می‌شد. به دنبال اصرار شاگردانش در جمع آوری آن دروس، علامه درخواست ایشان را پذیرفت. اولین مجلد المیزان در سال ۱۳۷۵ هـ ق (۱۳۳۴ هـ ش) منتشر شد. مجلدات دیگر نیز یکی پس دیگری به چاپ رسید تا

۱. ر.ک: همو، دائره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۶۳.

۲. همو، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۴۰۲.